

دیپلماسی فرهنگی امریکا و فرانسه

سید حسین شرف‌الدین*

مقدمه

سیاست توسعه کاربرد زبان ملی، بخشی از دیپلماسی فرهنگی نسبتاً خاموش بسیاری از کشورهای جهان به ویژه ابرقدرت‌هاست. این کشورها در تحقق این مهم از سیاست‌ها و راهکارهای متنوعی به تناسب پیشرفت‌های زمانی سود جستند. در این نوشتار به برخی از مهم‌ترین شیوه‌های اعمال شده توسط دو کشور فرانسه و امریکا در گسترش زبان فرانسه و انگلیسی به منزله دو زبان زنده و شایع پرداخته شده است. برخی از آنچه تحت عنوان راهکار یا سیاست فرهنگی گفته شده، در حقیقت پی‌آمد پنهان و غیرمقصود یا نتیجه قهری برخی سیاست‌های اعمال شده در طول تاریخ و به عبارتی شانسی‌ها و موفقیت‌های ویژه‌ای است که به نوعی به گسترش، تثبیت، ارتقا و برتری زبانی خاص در کنار سایر برتری‌های فرهنگی منتهی شده است. نکته مهم این که گسترش زبان بیش از آن که به صورت مستقل، مطرح باشد، تابعی از مجموعه روابط و مناسبات مختلف جوامع انسانی است و بالطبع میزان موفقیت در این عرصه، مرهون موفقیت و کسب وجهه و جایگاه در سایر زمینه‌های فرهنگی، اقتصادی، سیاسی، اجتماعی است. مجموع سیاست‌ها و راهکارهای خرد و کلانی که چه به صورت آگاهانه و برنامه‌ریزی شده و چه به صورت قهری که به رونق دیپلماسی فرهنگی به طور عام و به گسترش و توسعه این دو زبان به مثابه نماینده دو کانون فرهنگی ذی‌نفوذ کمک کرده بدین صورت است:

۱. برتری موقعیت صنعتی، سیاسی و اقتصادی: «دویست یا سی صد سال پیش، تقریباً از ۱۶۵۰ تا ۱۷۵۰، فرانسه از نظر فکری و سیاسی در اروپا بر ملل دیگر برتری داشت و به علت تفوق کشور فرانسه، زبان فرانسه نیز به عنوان یک زبان کمکی بین‌المللی رونق گرفت. البته این به علت مزیتی در ذات زبان فرانسه در مقایسه با زبان‌های دیگر نبود، بلکه صرفاً مربوط به عواملی غیرزبانی بود. بعداً وقتی که فرانسه جایگاه برجسته‌ای را اشغال کرد، درباره آن افسانه‌ها بافته شد که این زبان به ویژه «روشن»، «دقیق»، «عقلانی» و مانند اینهاست. به نظر می‌رسد که زبان انگلیسی به تدریج در ظرف دویست سال گذشته جایگاه فرانسه را اشغال کرده است. علت این امر هم در آغاز، پیشتازی مردم انگلیس و بعداً پیشتازی مردم امریکا در زمینه‌های تجارت، صنعت و علوم می‌باشد. تفوق یافتن و رونق گرفتن زبان‌ها همیشه از این مجرای طبیعی صورت می‌گیرد. مردم، زبانی را انتخاب می‌کنند که از استعمال آن بتوانند حدکثر بهره را ببرند».[۱]

۲. برتری موقعیت فرهنگی، علمی و رسانه‌ای: «... سلسله مراتب دیگری وجود دارد که حول جایگاه برخی زبان‌ها به عنوان زبان‌های بین‌المللی - زبان بین‌المللی غیررسمی - یعنی رایج‌ترین زبان دوم افراد، زبان تجاری، زبان رسانه‌ها، زبان علمی، زبان دانشگاهی و نظایر آنها شکل گرفته است. براساس تقریباً تمام شاخص‌های موجود، زبان انگلیسی بی‌چون و چرا در رأس این سلسله مراتب است. برای مثال، بیش از دو سوم دانشمندان جهان به انگلیسی می‌نویسند، سه چهارم نامه‌های جهان به انگلیسی نوشته می‌شود و ۸۰ درصد تمام اطلاعات سیستم‌های بازیابی الکترونیکی به انگلیسی نگه‌داری می‌شود... [۲]

۳. سابقه کهن سلطه استعماری: در برخورد دو جامعه زبانی، می‌توان زبان قومی را که به واسطه برتری نظامی، اقتصادی یا سیاسی به سرزمین دیگری وارد شده‌اند، زبان زبرین و زبان مردم بومی آن سرزمین را که زیر سلطه نظامی، اقتصادی یا سیاسی تازه واردان قرار گرفته‌اند، زبان زیرین نامید. «هم‌چنان که حکومت‌های اروپایی گستره نفوذ خود را به ماورای دریاها می‌کشاندند، زبان‌های رسمی قدرت‌های اروپایی به صورت زبان‌های استعمارگران شد. هنگامی که استعمارزدایی در قرون نوزدهم و بیستم به نیروی حرکت دست یافت، این زبان‌های رسمی حکومت‌های ملت محور تازه تشکیل یافته، همان‌گونه که بود، باقی ماند.» [۳]

۴. تقدس بخشی در قالب ترجمه کتاب مقدس به این زبان: برخی زبان‌شناسان، موقعیت زبان لاتین در اروپای قرون وسطی به منزله زبان دین و فرهنگ را با نقش زبان عربی در امپراطوری اسلامی، قیاس کرده‌اند. مهم‌ترین عامل کسب این امتیاز ترجمه کتاب مقدس به این زبان بود. «ترجمه کتاب مقدس به لاتین سبب شد که این زبان بعدها به صورت زبان کلیسا، زبان دینی مسیحیان غرب در آمد.» [۴]

۵. ایفای نقش در راستای توسعه روابط فرهنگی: «گسترش زبان یک ملت به معنی تأثیرگذاری فرهنگی آن و اوج‌گیری روابط فرهنگی است. به عنوان مثال، هنگامی که زبان انگلیسی تبدیل به زبانی جهانی می‌شود، فرهنگ انگلیسی و آمریکایی نیز به همراه آن فراگیر می‌شود و امکان گسترده‌ای را برای روابط فرهنگی بوجود می‌آورد. بنابراین گسترش فعالیت‌های مربوط به آموزش زبان، موجب توسعه روابط فرهنگی خواهد شد.» [۵]

۶. ایفای نقش به منزله یک زبان میانجی: «زبان‌های طبیعی مانند انگلیسی، به رغم بی‌قاعدگی‌ها و استثنائات دستوری فراوان و تفاوت‌های قابل ملاحظه میان گفتار و نوشتار و نیز به رغم آن که غالباً زبان کشورهای سلطه‌گر به شمار می‌روند، به واسطه پشتوانه علمی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی آنها، بیشتر مورد توجه گویندگان سایر زبان‌ها قرار دارند و غالباً به عنوان زبان میانجی به کار گرفته می‌شوند. البته موقعیت

کنونی زبان انگلیسی ممکن است در روند تحولات اجتماعی، سیاسی، و علمی جهان دستخوش تغییر گردد، همان‌گونه که در مورد برخی دیگر از زبان‌ها نیز چنین شده است. مثلاً زبان فرانسه نیز در یک دوره به دلایل غیرزبانی، اعتبار بالایی داشته و در سطح جهان به عنوان زبان میانجی به طور گسترده‌ای به کار گرفته می‌شده است، اما به موازات کاهش نفوذ سیاسی، اقتصادی، و فرهنگی فرانسویان، امروزه از میزان کاربرد این زبان به عنوان یک زبان میانجی نیز کاسته شده است.» [۶]

۸. **اشاعه و نفوذ فرهنگی:** «هنگامی که تحولات فرهنگی از یک جامعه به جامعه دیگر سرایت می‌کند، سبب ورود پدیده‌های فرهنگی تازه و واژه‌های مربوط به آنها، به فرهنگ و زبان جامعه دوم می‌گردد. مثلاً به دنبال اختراعات و اکتشافات یکی دو قرن اخیر در کشورهای اروپایی و پیدایش پدیده‌های تازه‌ای، مانند اتومبیل، تلفن، تلویزیون، کولر، شوفاژ، کامپیوتر، رادار، ویدئو و غیره و معرفی آنها به جوامع دیگر، واژه‌های مربوط به این پدیده‌ها در زبان‌های انگلیسی و فرانسه نیز به بسیاری از زبان‌های دیگر از جمله زبان فارسی راه یافته‌اند.» [۷]

۸. **سلطه سیاسی:** یکی از زبان‌شناسان در خصوص تضعیف موقعیت زبان فارسی در شبه قاره می‌نویسد: «اگر زبان فارسی در شبه قاره هند از رونق افتاد و دچار زوال شد به این خاطر بود که تمدن پشتوانه آن با ضعف روبرو گشت. تمدن ضعیف، زبانش را منزوی می‌بیند و تمدن غالب زبانش را گسترش می‌دهد... سلطه سیاسی فقط یکی از جنبه‌های تسلط و تفوق یک تمدن برتر و یکی از نمودهای جریان‌ات عظیم اجتماعی است که خالق و پرورش دهنده زبانهاست...» [۸]

۹. **گسترش سریع فرآورده‌های رسانه‌ای:** «کاربرد جهانی انگلیسی همراه با فرآورده‌های رسانه‌های امریکایی که سراسر دنیا را در همین دوره رویداده‌اند و جریان تولید آنها به شکل انبوه ادامه دارد، به گسترش این زبان در جهان، یاری داده‌اند... توسعه بیشتر این برتری معنایی اساسی، با اولویت بخشیدن به این زبان در امور تجارتي، علمی و فرهنگی و به ویژه با گسترش سریع کامپیوتری کردن در بیست سال اخیر مشخص می‌شود. ایجاد پایگاه‌های داده‌پردازی الکترونیکی که دارایی‌های داده‌ای گسترده‌ای را به صورت نتایج حوزه‌ها و نظام‌های ویژه، از جمله در زمینه‌های پزشکی، زیست‌شناسی، شیمی و علوم انسانی و اجتماعی گردآوری می‌کنند، تنها با کامپیوتری کردن امکان‌پذیر است.» [۹]

یکی از پژوهش‌گران می‌نویسد: «به نظر می‌رسد انگلیسی وارد نوعی مرحله خود گسترش جهانی شده است، همان‌گونه که روزگاری فرانسه، زبانی جهانی شده بود. در این مرحله تمامی زبان‌های فوق، ملی و بسیاری

زبان‌های ملی در یک شبکه ارتباطی وابسته به یک‌دیگر با هم گره می‌خورند تا نظام در حال ظهور زبان جهانی را تشکیل دهند... عوامل بسیاری در ایجاد این پدیده مشارکت دارند، اما نفوذی که این زبان بر تولیدات اطلاعاتی و تصویری انگلیسی - امریکایی می‌گذارد، غیرقابل اندازه‌گیری است. برای مثال، مطالعه منظم و گسترده، روی نمونه‌های زیادی از روزنامه‌های ریاضیات غیرآمریکایی آشکار کرد که از ۳۲ هزار مقاله منتشر شده در طول سال‌های ۱۹۷۰، ۱۹۷۵، ۱۹۸۰، ۱۹۸۵ نسبت مقاله‌های انگلیسی از ۵۲ درصد تمامی مقالات مورد بررسی در سال ۱۹۷۰ به ۶۵ درصد در سال ۱۹۸۵ رسید. در همین مدت، نسبت مقالات فرانسوی از ۱۷ به ۱۰ درصد و آلمانی از ۱۳ به ۷ درصد کاهش یافت، در حالی که مقالات روسی از ۱۳ به ۱۶ درصد افزایش یافت.» [۱۰]

روابط دیپلماتیک و تبادل هیئت‌های فرهنگی؛ اعطای بورس‌های تحصیلی به دانشجویان خارجی؛ تأسیس مدارس؛ دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی در کشورهای مختلف هم‌چون دانشگاه امریکایی بیروت؛ تأسیس دفتر برنامه‌های آموزش زبان انگلیسی برای تهیه و اجرای برنامه‌های ویژه برای مناطق و کشورهای مختلف؛ اجرای برنامه‌های مشترک با مؤسسات کشورهای میزبان؛ کمک‌های بلاعوض در زمینه‌های آموزشی، هنری، ورزشی؛ مشارکت فعال در فعالیت‌های فرهنگی؛ اعزام مستشار به کشورهای مختلف؛ انتشار گسترده آثار و منابع علمی؛ صدور تکنولوژی و اقلام صنعتی؛ صدور اقلام و مصنوعات فرهنگی متنوع، هم‌چون فیلم‌های تلویزیونی و سینمایی و برنامه‌های سرگرم‌کننده؛ فن‌آوری‌های اطلاعاتی و ارتباطاتی و رسانه‌های الکترونیک هم‌چون ماهواره‌ها، اینترنت، شبکه‌های رادیویی و تلویزیونی بین‌المللی، کتب و نشریات پرتیراژ جهان‌گستر در چهارچوب جریان یک سویه اطلاعات؛ برگزاری نمایشگاه‌های بین‌المللی؛ سازمان‌های بین‌المللی مختلف فعال در فرایند جهانی شدن هم‌چون: یونسکو، بانک جهانی، سازمان تجارت جهانی؛ نفوذ گسترده غول‌های صنعتی و اقتصادی و شرکت‌های چندملیتی؛ راه‌اندازی سایت‌های مختلف آموزش زبان در اینترنت؛ برگزاری مسابقات ورزشی؛ تأسیس دانشگاه‌های مکاتبه‌ای و مجازی برای گسترش نفوذ در میان طالبان تحصیلات عالی در کشورهای مختلف؛ تأسیس انجمن‌ها و محافل ادبی؛ برنامه‌های آموزش زبان به صورت تبدلی (هم‌چون تبادل معلم زبان انگلیسی با معلم زبان ژاپنی)؛ اقدام سفارت امریکا در برگزاری دوره‌های آموزش زبان انگلیسی، کارگاه‌های آموزشی توسط مدرسان امریکایی و تهیه و توزیع منابع و متون درسی استاندارد و وسایل کمک آموزشی برای دوره‌های آموزش زبان؛ القای این نگرش که پیشرفت همه‌جانبه در گرو بهره‌گیری از شاه کلید ورود به دنیای مدرن، یعنی برخورداری از زبان بین‌المللی است؛ تبلیغ شعارهایی هم‌چون یک جهان، یک زبان در عرصه جهانی شدن؛ استانداردسازی زبان از طریق تدوین فرهنگ‌ها، واژه-نامه‌ها، کتاب‌های دستوری، قواعد املائی و تلفظی و سایر تکنیک‌های معانی‌بیانی؛ ضرورت مشارکت اقشار مختلف در فعالیت‌های تخصصی؛ ضرورت تلاش در جهت تولید، ذخیره‌سازی و انتقال اطلاعات در مجامع

علمی در سطح جهان؛ ضرورت وحدت‌یابی زبانی در کشورهای دارای تنوع زبانی هم‌چون هند و در نتیجه توافق نسبتاً جمعی در بهره‌گیری از یک زبان شناخته شده و دارای اعتبار همگانی؛ ضرورت ایجاد آمادگی برای جذب توریست از کشورهای اروپایی و آمریکایی؛ احساس خودباختگی در مقابل هیمنه مظاهر فرهنگی غرب و آموزش زبان انگلیسی به مثابه راهی برای کاهش نسبی این نقیصه و متقابلاً جهل به زبان انگلیسی را شاخص بیسوادی و کم‌اعتباری فرهنگی تلقی کردن؛ احساس نیاز کشورهای جهان به برقراری ارتباط همه‌جانبه و ضرورت ترجمه برخی آثار فرهنگی خود، جهت عرضه در محیط‌های بیرونی از دیگر عوامل گسترش زبان انگلیسی به حساب می‌آید.

دیپلماسی زبانی - فرهنگی فرانسه

کشور فرانسه هر چند در بسیاری از سیاست‌ها و راهکارهای فوق با کشور آمریکا در گسترش زبان انگلیسی اشتراک داشته و به طور طبیعی از یک دیگر الگو گرفته‌اند، اما از برخی جهات نیز از خط مشی‌های اختصاصی تبعیت کرده است. عمده‌ترین شیوه‌های اعمال شده توسط این کشور بدین صورت است: اعزام مبلغان مذهبی، تأسیس مدارس، مراکز آموزش عالی و کانون‌های فرهنگی فرانسوی زبان، در کشورهای مختلف؛ تأسیس نمایندگی‌های دیپلماتیک و کنسولی در سفارت‌خانه‌ها و تأسیس اداره کل روابط فرهنگی جهت انجام فعالیت‌های فرهنگی در ضمن فعالیت‌های مرسوم دیپلماتیک؛ تأسیس مؤسسات علمی و پژوهشی؛ اعزام هیئت‌های باستان‌شناسی؛ تأسیس بیمارستان و مراکز خدمات درمانی و اعزام تیم‌های پزشکی؛ اعطای بورس‌های مختلف تحصیلی؛ تحصیل در قالب قراردادهای مشترک و در چهارچوب کنوانسیون‌های پژوهشی و آموزشی میان دانشگاه‌ها و مؤسسات فرانسوی با مراکز مشابه در سایر کشورها؛ انجام پژوهش‌های مشترک؛ [۱۱] تأسیس زبانکده‌ها و مراکز آموزش زبان فرانسه در کشورهای مختلف تحت نظارت و اشراف اساتید مجرب فرانسوی زبان؛ تأسیس رشته زبان و ادبیات فرانسه و رشته‌هایی هم‌چون علوم سیاسی، حقوق و مدیریت با محوریت زبان فرانسه در کشورهای مختلف؛ تأسیس انجمن‌ها و محفل‌های ادبی و هنری، خانه‌های فرهنگ و نمایشگاه‌های عرضه مصنوعات فرهنگی و صنعتی در کشورهای مختلف؛ تأسیس کتابخانه و کمک به تجهیز کتابخانه‌های ملی و دانشگاهی؛ همکاری با سازمان‌ها و مؤسسات اداری، فرهنگی، قضایی، صنعتی، تجاری، کشاورزی در کشورهای مختلف؛ بهره‌گیری از تکنولوژی‌ها و محصولات متنوع رسانه‌ای هم‌چون ماهواره‌ها، شبکه‌های رادیویی و تلویزیونی، کتب و نشریات علمی و برنامه‌های سرگرمی؛ سرمایه‌گذاری در تولید اقلام رسانه‌ای هم‌چون فیلم‌های سینمایی و سریال‌های تلویزیونی و ترجمه آنها به زبان‌های مختلف و پخش آنها با زیرنویس و دوبلاژ به زبان فرانسه در رسانه‌های ملی و محلی کشورهای استفاده‌کننده؛ حمایت از سینماگران و هنرمندان کشورها برای تولید

فیلم‌های متناسب با ارزش‌های فرهنگی جامعه فرانسه؛ ایجاد اتحادیه‌های هم‌زبانان؛ [۱۲] انتشار مطبوعات فرانسوی زبان در کشورهای مختلف؛ جذب مهاجران خارجی در قالب صنعت توریسم و نفوذ از طریق سازمان‌های غیردولتی داخلی و شرکت‌های چندملیتی.

پی‌نوشت‌ها

* دانش‌آموخته حوزه علمیه قم و دانشجوی دکترای دانشگاه امام صادق ۱.

۱. رابرت‌ا. هال، زبان و زبان‌شناسی، ترجمه محمدرضا باطنی (تهران: موسسه انتشارات امیرکبیر، ۱۳۷۳) ص ۲۴۰.

۲. جان تاملینسون، جهانی شدن و فرهنگ، ترجمه محسن حکیمی (تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی، ۱۳۸۱) ص ۱۱۲.

۳. جان‌ب. تامپسون، رسانه‌ها و مدرنیته، ترجمه مسعود اوحدی (تهران: سروش، ۱۳۸۰) ص ۷۸.

۴. شاهرخ مسکوب، هویت ایرانی و زبان فارسی (انتشارات باغ آینه، ۱۳۷۳) ص ۳۷.

۵. حسین سلیمی، فرهنگ‌گرایی، جهانی شدن و حقوق بشر (تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ۱۳۷۹) ص ۷۰.

۶. یحیی مدرس، جامعه‌شناسی زبان (تهران: موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، ۱۳۶۸) ص ۹۶.

۷. همان، ص ۲۵۶.

۸. قاسم صافی، مجموعه سخنرانی‌های نخستین سمینار پیوستگی‌های فرهنگی ایران و شبه قاره هند (مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان، ۱۳۷۲) ص ۴۴۶.

۹. هربرت شیلر، وسایل ارتباط جمعی و امپراطوری امریکا، ترجمه احمد میرعابدینی (تهران: سروش، ۱۳۷۷) ص ۹۶.

۱۰. همان، ص ۹۵.

۱۱. سایت سفارت فرانسه در تهران . WWW.USWR.ac.ir/fn/bourse
۱۲. جوزف نای، کاربرد قدرت نرم، ترجمه سید رضا میرطاهر، فصلنامه راهبرد دفاعی، سال دوم، شماره ششم (زمستان ۱۳۸۳) ص ۳.